رویداد

ارزیابی گزارش‌های افشای ناشران درباره بندر شهید رجایی

امیرحسین یعقوب‌زاده، مدیر ریسک بیمه اتکایی تهران، با بررسی اطلاعیه‌های ناشران بازار سرمایه در توضیح تاثیرات احتمالی حادثه انفجاری بندر شهید رجایی، گفت: با توجه به شفاف‌سازی‌های صورت گرفته، با وجود بیمه، شرکت‌های که به نظر می‌رسد از این حادثه آسیب دیده باشند، تاثیر چندانی ندیده‌اند. مدیر ریسک بیمه اتکایی تهران، تحلیل کرد: در پی انتشار خبر بروز حادثه در اسکله شهید رجایی، سازمان بورس و اوراق بهادار از اولین ساعات با ۳ شرکت «توسعه خدمات دریایی و بندری سینا، تایدواتر خاورمیانه و کشتیرانی جمهوری اسلامی» که به ارائه خدمات بندری در بندر شهید رجایی می‌پردازند، مکاتبه کرد و از این شرکت‌ها خواست تا آثار مالی ناشی از این حادثه را شفاف‌سازی کنند و آنها بلافاصله گزارش‌های خود را منتشر کردند. امیرحسین یعقوب‌زاده، توضیح داد: شرکت دریایی و کشتیرانی خط دریابندر (حبندر) اعلام کرد که در حال حاضر هیچ فعالیتی در اسکله شهید رجایی نداشته و سانحه انفجار، خسارتی به این شرکت وارد نکرده و فعالیت‌های اجرایی این شرکت بر اساس قراردادهای منعقد شده، همانند گذشته در جریان است. یعقوب‌زاده، در مورد گزارش دیگر شرکت‌ها درباره تاثیرات این واقعه گفت: شرکت تایدواتر خاورمیانه (حتاید) اعلام کرد، فعالیت تخلیه و بارگیری کانتینر و سایر خدمات در محوطه‌های عملیاتی در اختیار شرکت‌های زیرمجموعه این شرکت مطابق روال سابق در حال انجام است. مدیر ریسک بیمه اتکایی تهران، ادامه داد: شرکت توسعه خدمات دریایی و بندری سینا (حسینا) هم، در اطلاعیه‌ای شفاف‌سازی کرد که بخشی از محوطه اختصاصی شرکت دچار آسیب شده و در حال حاضر عملیاتی نیست، اما سایر محوطه‌ها و سایت‌های شرکت در بندر شهید رجایی و سایر بنادر بدون هیچ مشکلی در حال ارائه خدمات هستند. این اطلاعات در حالی منتشر شد که فروش محوطه اختصاصی این شرکت در سال مالی قبل بخش کوچکی از فروش کل شرکت را شامل شده (حدود ۴ درصد از فروش کل) و پیش بینی سال جاری نیز به همین میزان بوده است. یعقوب‌زاده، همچنین به گزارش‌های شرکت‌های بیمه درباره این سانحه گفت: بیمه دانا اعلام کرد که در هنگام وقوع حادثه، قراردادی با پایانه گمرکی شهید رجایی نداشته است. با این وجود، امکان پوشش خسارت جزیی برای برخی فعالان اقتصادی، اماکن و خودروهای در محل وجود دارد که تاکنون خسارتی در این خصوص به شرکت اعلام نشده است. مدیر ریسک بیمه اتکایی تهران، در مورد اطلاعات سایر شرکت‌های بیمه توضیح داد: براساس اطلاعیه‌ها بیمه البرز پیگیری‌هایی داشته و سطح و میزان خسارات وارد شده، همه بیمه‌نامه‌های صادر شده دارای پوشش اتکایی متناسب است. یعقوب‌زاده گفت: براساس گزارش‌های رسمی، بیمه نوین قرارداد شاخصی در این باره نداشته، بیمه وسین هم که بیمه‌گزار خود شرکت توسعه خدمات دریایی و بندری سینا است، ریسک این اتفاق را در قالب پوشش اتکایی مناسب با سایر بیمه‌گران داخلی توزیع کرده است. وی، با استناد به گزارش‌های ناشران درباره حادثه بندر شهید رجایی گفت: بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد با توجه به پوشش بیمه‌ای مناسب اکثر شرکت‌های فعال در حوزه ترانزیت و خدمات حمل و نقل، این حادثه زیان مالی قابل توجهی را برای شرکت‌های فعال در این صنعت ایجاد نکرده و سایر صنایع بورسی نیز از زیان ناشی از این حادثه در امان بوده‌اند؛ با وجود این، شدت آثار مالی این واقعه بر صنعت بیمه تا حد زیادی نامشخص بوده و نیازمند ارزیابی‌های دقیق‌تری است. مدیر ریسک بیمه اتکایی تهران گفت: با توجه به توزیع این زیان در میان شرکت‌های مختلف بیمه و بیمه‌گران اتکایی، به نظر می‌رسد این موضوع نیز اثر چشمگیری بر روند کلی بازار سرمایه نداشته باشد. به‌طور خلاصه، انتظار می‌رود روند بازار سرمایه به ثبات قبلی خود بازگردد و هیجانات یکی دو روز اخیر سهامداران تا حد زیادی فروکش کند؛ زیرا هم‌چنان مولفه‌های بنیادین، نشان از ارزندگی سهام بسیاری از شرکت‌ها دارد.

اقدامات سازمان بورس برای حفاظت از منافع سهامداران

سعید واشقانی فراهانی، رییس اداره نظارت بر ناشران گروه مالی و خدماتی سازمان بورس و اوراق بهادار گفت: سازمان بورس و اوراق بهادار از اولین ساعات انتشار اخبار مربوط به انفجار در بندر شهید رجایی با سه شرکت «توسعه خدمات دریایی و بندری سینا، تایدواتر خاورمیانه و کشتیرانی جمهوری اسلامی» که به ارایه خدمات بندری در بندر شهید رجایی می‌پردازند؛ مکاتبه کرده و از این شرکت‌ها خواست تا آثار مالی ناشی از این حادثه را شفاف‌سازی کنند. او، ضمن ابراز همدردی با هم‌وطنان آسیب‌دیده و خانواده‌های جان‌باختگان حادثه انفجار در بندر شهید رجایی افزود: حادثه در انبارهای کانتینری رخ داده و بر اساس اطلاعات دریافتی و شفاف‌سازی‌های صورت گرفته تاکنون؛ تنها معادل ۴ درصد از مبلغ کل فروش به شرکت توسعه خدمات دریایی و بندری سینا خسارت وارد شده است. واشقانی فراهانی، از مذاکره سازمان بورس با شرکت‌های بیمه پذیرفته شده در بازار سرمایه (بیمه دانا، بیمه آسیا، بیمه البرز و...) خبر داد و اضافه کرد: شرکت‌های بیمه مزبور نیز بلافاصله پس از درخواست سازمان بورس اقدام به شفاف‌سازی در خصوص اثرات مالی این حادثه کردند. او، افزود: طبیعتاً اثرات واقعی و مبلغ خسارت وارده به شرکت‌های فعال در حوزه حمل و نقل و بیمه پذیرفته شده در بازار سرمایه، بعد از مشخص شدن علت و ابعاد حادثه توسط ناشران مزبور اعلام خواهد شد. رییس اداره نظارت بر ناشران گروه مالی و خدماتی سازمان بورس و اوراق بهادار، در عین حال با این توضیح که حادثه رخ داده در بندر شهید رجایی منجر به بسته شدن هیچ نمادی نشده، اعلام کرد: پیگیری‌های مربوطه به‌صورت ویژه توسط سازمان بورس ادامه خواهد یافت و آثار مالی احتمالی آتی بلافاصله پس از مشخص شدن، به اطلاع فعالان بازار سرمایه خواهد رسید.

«تعادل» بررسی می‌کند

وال استریت روی خط نوسان

بازارهای مالی جهان روز دوشنبه را در وضعیتی پیچیده و پرافت‌وخیز پشت سر گذاشتند. بسیاری از شاخص‌های بورس امریکا با وجود نوسانات گسترده و نگرانی‌ها نسبت به چشم‌انداز آینده، در پایان روز در محدوده مثبت متمایل به رشد به کار خود پایان دادند. اما در این میان بخش فناوری عملکرد ضعیفی را به ثبت رساند و شاخص نزدک را به پایین راند. در سوی دیگر، بازار طلا با استقبال روزافزون سرمایه‌گذاران و در واکنش به تردیدهای بازار و نوسانات ارزی، اقبالی تازه یافت و رشد قابل توجهی را تجربه کرد.

تردیدها و امیدهای یک هفته پرچالش

نخستین نکته مهم در معاملات دوشنبه، تنش‌ها و هیجانات حاکم بر بازارها بود. سرمایه‌گذاران در حالی معاملات خود را آغاز کرده‌اند که هفته‌ای حساس و مملو از وقایع مهم اقتصادی در پیش است؛ بازاری که سایه مذاکرات تعرفه‌ای ایالات متحده و چین و نیز آغاز فصل انتشار گزارش‌های درآمدی شرکت‌های بزرگ بر آن سنگینی می‌کند. در پایان معاملات دوشنبه، شاخص میانگین صنعتی داوجونز با افزایش ۱۱۴ واحدی، معادل ۰.۲۸ درصد، به رقم ۴۰۲۲۷.۵۹ رسید و شاخص S&P ۵۰۰ هم با افزایشی ناچیز، ۳.۵۴ واحدی، معادل ۰.۰۶ درصد، به سطح ۵۵۲۸.۷۵ واحد رسید. اما شاخص نزدک کامپوزیت تحت فشار سهام فناوری ۰.۱۰ درصد افت کرد و روی ۱۷۳۶۶.۱۳ واحد متوقف شد. این افت بیش از هر چیز ناشی از تضعیف غول‌های فناوری بود که برای انتشار گزارش درآمدهای سه ماهه اول خود آماده می‌شوند.

چرا بازارها نوسانی شدند؟

راس میفیلد، استراتژیست سرمایه‌گذاری در شرکت Baird شهر لوییویل، تحلیل کرد: «بازار هفته گذشته رشد خوبی را تجربه کرد و در غیاب یک کاتالیزور مثبت و مهم، ادامه رشد فعلا دشوار به نظر می‌رسد. سرمایه‌گذاران منتظرند تا در نیمه دوم هفته با رونمایی گزارش درآمد شرکت‌ها و انتشار داده‌های حساس اقتصادی، مسیر بعدی بازارها روشن‌تر شود.» میفیلد می‌گوید: «وضعیت دوشنبه بازار را تنها می‌توان کمینوسان و فاقد آن محرک جدی دانست؛ در حالی که تمرکز عمومی بازارها به اتفاقات پیش رو و تحولات مذاکرات تجاری معطوف است.»

در سایه گفت‌وگوهای تجاری و کاهش تنش‌ها

در میانه همین تردیدها، اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری امریکا، روز دوشنبه اعلام کرد که برخی از شرکای تجاری اصلی امریکا، از جمله چین، پیشنهادهایی «بسیار خوب» در زمینه تعرفه‌ها داده‌اند. به گفته او، اقدامات اخیر پکن برای معافیت برخی از کالاهای امریکایی از تعرفه‌های تلافی‌جویانه، نشانه‌ای مثبت از تمایل برای کاستن از تنش‌ها میان دو قدرت اقتصادی جهان است. در مورد نتایج این مذاکرات، کارشناسان بدبین‌تر معتقدند که اگر ایالات متحده و چین نتوانند به توافقی تعیین کننده یا تحول قابل توجهی در داده‌ها و درآمدها برسند، بازار سهام احتمالا برای مدت طولانی‌تری در همین محدوده نوسانی و بدون جهت‌گیری روشن باقی خواهد ماند.

زمان سودسازی شرکت‌ها

همزمان با این امیدها، نظرسنجی‌های رویترز از اقتصاددانان مطرح جهان نشان می‌دهد که بسیاری از آنها به دلیل اعمال تعرفه‌های تجاری توسط دولت ترامپ همچنان خطر بالای وقوع رکود اقتصادی جهانی را احساس می‌کنند. بسیاری معتقدند که حتی در صورت تحقق توافقات، نبود یک راه‌حل ریشه‌ای و کاهش ناپایدار تعرفه‌ها می‌تواند ضربه‌هایی جبران‌ناپذیر بر رشد اقتصاد جهان وارد آورد؛ چراکه پیش‌بینی‌های سه ماه پیش که از رشد مطلوب جهانی خبر می‌دادند، اکنون با چالش روبه‌رو شده‌اند. نگاهی به تقویم شرکت‌های بورسی نشان می‌دهد که هفته جاری اوج انتشار گزارش‌های درآمد سه‌ماهه اول سال میلادی است. نام‌هایی چون متا (فیس‌بوک) مایکروسافت، اپل و آمازون در صدر اخبار مالی هستند و سرمایه‌گذاران با حساسیت فراوان در انتظار نتایج این چهار غول دنیای فناوری هستند. چراکه روند بازار سهام امریکا تا حد زیادی به وضعیت این شرکت‌ها گره خورده و عملکرد آنها بر جو روانی کلی بازارها نیز اثرگذار است. همزمان کارشناسان مالی هشدار می‌دهند که کوچک‌ترین عقب‌ماندگی یا ناامیدی در عملکرد این شرکت‌ها می‌تواند موجی از حساسیت‌ها و خروج سرمایه از بازار سهام فناوری را در پی داشته باشد؛ سناریویی که تاثیراتش به خارج از مرزهای امریکا نیز سرایت می‌کند.

انتظار برای داده‌های کلیدی اقتصادی امریکا

اگرچه روز دوشنبه خبری از انتشار داده‌های شاخص اقتصادی در امریکا نبود، اما بازارها به‌شدت چشم‌انتظار شاخص‌هایی نظیر هزینه‌های مصرف‌شخصی، شاخص مدیران خرید ISM، برآورد اولیه تولید ناخالص داخلی و مهم‌تر از همه، گزارش وضعیت اشتغال در ماه آوریل هستند. هر یک از این داده‌ها می‌تواند توان اقتصاد امریکا را در عبور از فشارهای تورمی و سیاست‌های انقباضی فدرال رزرو نشان دهد یا برعکس، هشدارهایی در مورد رکود قریب‌الوقوع ارائه کند. خوش‌بینی به کاهش تنش‌های تجاری، تنها منحصر به امریکا نبود؛ موج این امید به بازارهای اروپا و آسیا نیز رسیده بود. شاخص MSCI برای کل سهام جهان با افزایش ۰.۴۱ درصدی به ۸۲۸.۰۹ واحد رسید. در اروپا، شاخص پن اروپایی STOXX ۶۰۰ که معیار سنجش عملکرد بازارهای مهم قاره سبز است، ۰.۵۳ درصد رشد داشت و شاخص FTSEurofirst ۳۰۰ نیز ۰.۴۹ درصد افزایش یافت. بازارهای سهام آسیا نیز روندی صعودی را تجربه کردند. شاخص MSCI در منطقه آسیا - اقیانوسیه (بدون احتساب ژاپن) ۰.۶۲ درصد صعود کرد و شاخص نیکی ژاپن ۰.۳۸ درصد افزایش یافت و به ۳۵۸۳۹.۹۹ رسید. سهام بازارهای نوظهور نیز یک رشد ۰.۵۸ درصدی را تجربه کرد و به عدد ۱۱۰۳.۴۵ دست یافت.

رفتار متضاد طلا، اوراق و ارزها

بازار اوراق خزانه‌داری امریکا شاهد کاهش بازدهی بود. بازده اوراق ۱۰ ساله به رقم ۴.۲۱ درصد رسید که ۵.۶ واحد پایه کمتر از روز جمعه بود. بازده اوراق ۳۰ ساله نیز ۴.۶۸۶ درصد و بازده اوراق کوتاه‌مدت‌تر دو ساله ۳.۶۸۵ درصد ثبت شد. در بازار ارز، شاخص دلار امریکا که ارزش این واحد پولی را در برابر سبدی از ارزهای جهانی می‌سنجد، با افت ۰.۸ درصدی به ۹۸.۹۳ رسید. یورو با ۰.۵۱ درصد افزایش، به ۱.۱۴۲۲ دلار رسید. دلار در مقابل ین بیش از یک درصد تضعیف شد و به ۱۴۲.۰۵ رسید، در حالی که پوند استرلینگ با رشد ۰.۹ درصدی به ۱.۳۴۳۴ دلار صعود کرد. دلار کانادا و پزوی مکزیک نوسانات ملایمی را تجربه کردند. از جمله رویدادهای مهم در حوزه ارز، برگزاری انتخابات پارلمانی در کانادا بود. انتخاباتی که بحث‌های مرتبط با تعرفه‌ها و سیاست‌گذاری دولت امریکا نقش مهمی در فضای سیاسی و اقتصادی آن بازی کرده است. بازار نفت برخلاف رشد برخی دیگر از بازارها، روزی قرمز را سپری کرد. قیمت نفت خام امریکا با افت ۱.۵۴ درصدی به ۶۲.۰۵ دلار رسید و نفت برنت نیز با نزول مشابه تا ۶۵.۸۶ دلار پایین آمد. این افت عمدتاً ناشی از نگرانی بازار نسبت به افزایش احتمالی عرضه از سوی اوپک پلاس و عدم قطعیت‌های ناشی از مذاکرات تجاری بود. در بازار طلا اما همه‌چیز متفاوت بود. کاهش ارزش دلار امریکا همزمان با ابهامات جهانی باعث شد سرمایه‌گذاران اقبال بیشتری به این فلز زرد نشان دهند. قیمت طلای اسپات با ۰.۹۸ درصد رشد به رقم ۳۳۵۰.۵۹ دلار در هر اونس، و طلای آتی امریکا با رشد خفیف‌تر ۰.۰۶ درصدی به ۳۲۸۴.۵۰ دلار رسید.

ریسک‌ها، تصحیح بازار یا آغاز بحران؟

تحلیلگران بر این باورند که بازارهای مالی جهان اکنون در برزخی بی‌جهت میان امید و بیم قرار دارند. از یک سو امید به حل و فصل اختلافات تجاری و از سوی دیگر سایه ترس از رکود و نگرانی‌های مربوط به کند شدن رشد اقتصادی دنیا که می‌تواند بنیه بازارها را تحلیل ببرد. وقوع هر گونه شوک منفی، اعم از شکست مذاکرات یا گزارش‌های ضعیف اقتصادی، می‌تواند به راحتی معادلات بازارها را برهم بزند و موجی از فروش ایجاد کند؛ به خصوص آنکه سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی ایالات متحده هنوز به پایان نرسیده و افزایش نرخ بهره در دستور کار است. از دیگر سو، برخی کارشناسان خوش‌بین معتقدند که بازارها پس از ماه‌ها نوسان شدید و اجرا شدن سیاست‌های تهاجمی بانک مرکزی، حال وارد دوره‌ای از تعادل و بازتنظیم شده‌اند؛ عصری که فقط کسب‌وکارهای پایدار و اقتصادهای تاب‌آور در آن با موفقیت بقا خواهند داشت.

پیامدها برای سرمایه‌گذاران ایرانی و منطقه‌ای

این تحولات برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران ایرانی نیز پیامدهای مهمی دارد؛ چراکه هر گونه تغییر در شاخص دلار یا قیمت نفت و طلا می‌تواند به سرعت بر بازارهای داخلی ایران و شرایط اقتصادی منطقه تاثیر بگذارد. به خصوص نوسانات بازار نفت که مستقیما بر درآمدهای نفتی و تراز تجاری کشورمان تاثیرگذار است. به‌طور کلی، بازارهای جهانی هفته را با امید و بیم آغاز کردند؛ امید به توافق تجاری میان ابرقدرت‌ها و رشد درآمد شرکت‌ها و بیم رکود، سیاست‌های تجاری مخرب و داده‌های ناامیدکننده اقتصادی. قیمت طلا بار دیگر به نقش سنتی خود به‌عنوان پناهگاه بحران بازگشته و شاخص‌های سهام جهانی در تلاش برای یافتن تعادلی تازه هستند. در هفته پیش رو، آنچه بیش از هر چیز سرنوشت بازارها را رقم خواهد زد، روند مذاکرات تجاری امریکا و چین، گزارش‌های درآمدی غول‌های فناوری و داده‌های کلیدی اقتصادی ایالات متحده است. باید دید آیا بازارها موفق به عبور از این پیچ تاریخی خواهند شد یا همچنان در برزخ نوسانات باقی خواهند ماند.

بحران نقدشوندگی در بازار

در شرایطی که دولت‌های ایران و امریکا در حال مذاکره هستند، بازار بورس ایران روندی مثبت را تجربه کرده است. تابلوی معاملات طی دو هفته گذشته عمدتا سبز بوده و همین مساله باعث افزایش نقدشوندگی در فروردین ماه شده است. اخبار منتشرشده نیز عمدتا تأثیر مثبتی بر وضعیت بازار داشته‌اند. براساس گزارش صدای بورس، نقدشوندگی، همواره یکی از چالش‌های جدی بورس ایران بوده و هست. درواقع نقدشوندگی به این معناست که سرمایه‌گذار تا چه حد می‌تواند در هر زمان ممکن، دارایی خود را به پول نقد تبدیل کند یا در نقطه مقابل، در زمان دلخواه سهام مورد نظرش را خریداری کند. در نبود نقدشوندگی، تصمیم‌گیری برای خرید و فروش سخت‌تر شده و ریسک سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. عواملی نظیر نبود شفافیت کافی در بازار، محدودیت‌های قانونی، نوسانات شدید قیمت، کمبود خریدار و فروشنده و همچنین عدم تنوع در دارایی‌ها، از مهم‌ترین موانع نقدشوندگی در بازار سرمایه به‌شمار می‌روند. اما شاید مهم‌ترین عامل را بتوان بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران نسبت به آینده بورس دانست؛ مساله‌ای که منجر به کاهش عرضه و تقاضا شده و به‌شدت بر سطح نقدشوندگی تأثیر گذاشته است. در هفته منتهی به سوم اردیبهشت‌ماه، شاخص کل بورس از سقف ۳ میلیون واحد عبور کرد. در همین بازه، ارزش معاملات که به عنوان شاخصی برای سنجش نقدشوندگی بازار در نظر گرفته می‌شود، به ۲۵ هزار میلیارد تومان رسید. همچنین ارزش بازار در زمان نگارش این گزارش ۹ هزار و ۹۰۰ هزار میلیارد تومان بوده است. با این وجود بازار سرمایه ایران همواره با چالش کمبود نقدشوندگی مواجه بوده و بر همین اساس، در این گزارش به بررسی راهکارهای افزایش نقدشوندگی پرداخته‌ایم.

تجربیات جهانی در افزایش نقدشوندگی

نگاهی به تجربه کشورهای مختلف در حوزه بازار سرمایه نشان می‌دهد که برای افزایش نقدشوندگی، چند عامل اساسی نقش تعیین کننده‌ای دارند. در قدم اول توسعه بازارهای مالی شفاف و منظم، زمینه‌ساز مشارکت بیشتر سرمایه‌گذاران می‌شود. این موضوع شامل راه‌اندازی بورس‌های جدید، تسهیل در ورود و خروج سرمایه و فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب برای انجام معاملات است. در کنار آن بهبود دسترسی سرمایه‌گذاران به اطلاعات دقیق، شفاف و به روز درباره وضعیت بازار و دارایی‌ها، اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد و موجب می‌شود سرمایه‌گذاران با اطمینان بیشتری وارد بازار شوند. همچنین تنوع در ابزارهای مالی از جمله اوراق بهادار، مشتقات مالی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، انتخاب‌های بیشتری در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد و همین مساله باعث افزایش تحرک در بازار می‌شود. یکی دیگر از راهکارهای مهم جذب سرمایه‌گذاران خارجی از طریق ارایه مشوق‌های مالی و کاهش موانع ورود است؛ روشی که علاوه بر تأمین نقدینگی، می‌تواند به انتقال دانش و تجربه‌های موفق نیز کمک کند. در نهایت استفاده از فناوری‌های جدید نظیر پلتفرم‌های معاملاتی آنلاین و فناوری بلاکچین، باعث تسهیل روند معاملات و کاهش زمان انجام آنها می‌شود که این خود عامل موثری در بهبود نقدشوندگی بازار است.

ایجاد بازاری برای سهم‌های بزرگ

مریم محبی، استاد دانشگاه و مشاور اقتصادی و سرمایه‌گذاری در رابطه با نقدشوندگی بازار سرمایه ایران گفت: نقدشوندگی یا نقدینگی، در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های بازار سرمایه ماست. قفل شدن سهام در صف‌های خرید و فروش از یک‌سو و از سوی دیگر محدودیت دامنه نوسان و مساله حجم مبنا، از جمله موانع جدی در این حوزه هستند. این روندها در سایر کشورها نیز تجربه شده‌اند؛ کشورهایی مانند امارات و سایر بورس‌های کوچک نیز با چنین سازوکارهایی مواجه بوده‌اند، اما نباید فراموش کنیم که ذات بازار سرمایه، ذات یک بازار آزاد است؛ بازاری مبتنی بر عرضه و تقاضا. یعنی در بازار آزاد تنها نیرویی که می‌تواند بر قیمت‌ها تأثیرگذار باشد، عرضه و تقاضاست که آن هم نشأت گرفته از برداشت‌های فعالان بازار است. مریم محبی افزود: وقتی نیروهای دیگری را وارد این بازار می‌کنیم مانند حجم مبنا، دامنه نوسان و غیره در واقع در حال تحمیل یک تفکر متفاوت بر این سیستم هستیم و محدودیت‌هایی فراتر از عرضه و تقاضا را در شکل‌گیری قیمت دخیل می‌کنیم. بنابراین خیلی راحت کل مکانیسم بازار می‌تواند به این محدودیت‌ها واکنش نشان بدهد. ما ذات بازار سرمایه، که ذاتا مبتنی بر آزادی و کارایی است، را در قالب اقتصاد دستوری می‌گنجانیم؛ اقتصادی که ساختار کلان کشور ما نیز بر همان اساس استوار است. در نتیجه بازار آزاد نمی‌تواند در دل یک بازار محدود دوام بیاورد. این مدرس دانشگاه در مورد آزاد بودن بازار اضافه کرد: حالا ممکن است این پرسش مطرح شود که اگر بخواهیم آزاد بودن بازار را اجرایی کنیم، آیا می‌توانیم مثلا نمادهایی مثل «فولاد» و «فملی» را با سهام استانی یا سهم‌های بازار پایه مقایسه کنیم؟ پاسخ روشن است: ذات این سهم‌ها با هم متفاوت است. ما در بازار سهامی داریم که با ورود تنها ۵ هزار دلار می‌تواند وارد صف خرید یا فروش شود. به‌عبارت دیگر مارکت کپ برخی سهم‌ها آنقدر کوچک است که تنها با ورود سرمایه‌ای در حد یک یا دو میلیارد تومان می‌توان روی نمودار آن سهم تأثیر گذاشت. محبی در پایان تاکید کرد: دومین عامل موثر بر نقدشوندگی، همین عدم همخوانی بین نمادهای مختلف در بازار است. بنابراین یکی از راهکارهای پیشنهادی این است که بازار بورس و فرابورس را از یکدیگر جدا کنیم. در گام نخست باید بپذیریم که بازار سرمایه باید یک بازار آزاد باشد و هیچ نیرویی جز عرضه و تقاضا نباید در آن نقش‌آفرینی کند. سپس سهم‌های بسیار بزرگ با مارکت کپ بالا مثلا ۱۰ نماد اصلی یا حتی ۵۰ نماد برتر را جدا کنیم. دامنه نوسان و حجم مبنا را برای این سهم‌ها حذف کنیم و سازوکاری فراهم کنیم که تنها عرضه و تقاضا بر قیمت اثر بگذارد. سایر نمادها هم در بازاری دیگر مثلا فرابورس معامله شوند، با همان محدودیت‌های موجود. این پیشنهاد به این دلیل ارائه می‌شود که بازار سرمایه ما بازاری جوان است؛ بازاری که بعد از جنگ تحمیلی شکل گرفت و هنوز ۴۰ سال از عمر آن نمی‌گذرد. علاوه بر جوان بودن، بازار ما کوچک هم است. ممکن است انتقادی مطرح شود که بازارهایی مانند بورس امارات از نظر سنی کوچک‌تر از ما هستند، اما نباید فراموش کنیم که ساختار اقتصادی آن کشورها، تولید ناخالص داخلی (GDP) و پشتوانه اقتصادی‌شان با ما تفاوت دارد. بنابراین قیاس ساده‌ای نیست. ناچاریم مسیر آزمون و خطا را طی کنیم و به‌تدریج با شناخت نیروهای تأثیرگذار بر بازار مانند دخالت‌های دستوری، ناکارایی ساختار و ناهمخوانی بین اندازه شرکت‌ها به سمت بازاری کاراتر حرکت کنیم.

افزایش سهم‌های با شناوری بالا

رسول جاویدی، مدیر سرمایه‌گذاری سبدگردان داریوش در رابطه با بازار گفت: یکی از موارد مهمی که همیشه به آن دقت می‌شود بحث نقدشوندگی بازار است، معمولا نقدشوندگی در سهم‌های بزرگ و سهم‌هایی که شناوری آزاد بالاتری دارند به نسبت بیشتر از سهم‌های کوچک‌تر است زیرا سرمایه‌گذاران فعال در آن سهام خیلی بیشترند و طبیعتا می‌توان گفت که وضعیت معاملاتی آن هم بهتر بوده پس در نتیجه نقدشوندگی بهتری هم دارد.

خبر

بورس تحت تاثیر وقایع

حادثه آتش‌سوزی اسکله شهید رجایی در بهار ۱۴۰۴ و آتش‌سوزی پتروشیمی بوعلی سینا در تابستان ۱۳۹۵، دو نمونه از پیامدهای نادیده گرفتن مدیریت ریسک در صنایع حساس به شمار می‌روند. این حوادث نشان دادند که ضعف در پیشگیری از تهدیدهای شناخته‌شده می‌تواند به فجایعی منجر شود که مهار آنها مستلزم پرداخت هزینه‌های انسانی و اقتصادی سنگین است.

محمد مهدی‌آبادی، کارشناس بازار سرمایه، در گفت‌وگو با اشاره به این وقایع تأکید کرد: وقتی مدیریت ریسک شکست می‌خورد، چاره‌ای جز ورود به بحران باقی نمی‌ماند؛ مرحله‌ای که در آن فرصت پیشگیری از دست رفته و تنها با صرف هزینه‌های هنگفت می‌توان خسارات را کنترل کرد.

او افزود: حادثه آتش‌سوزی اسکله شهید رجایی که با شعله‌ور شدن برخی کانتینرها همراه بود، به فاجعه تبدیل شد. این در حالی بود که به گفته حسین ظفری، سخنگوی مدیریت بحران کشور، پیش از وقوع این حادثه، مدیرکل مدیریت بحران طی بازدیدهای خود اخطارهایی درباره خطرات احتمالی داده بودند؛ هشدارهایی که متأسفانه مورد توجه قرار نگرفت و در نهایت به کشته و زخمی شدن ده‌ها نفر و آلودگی در منطقه بندرعباس منجر شد.

مهدی‌آبادی همچنین به حادثه آتش‌سوزی پتروشیمی بوعلی در سال ۱۳۹۵ اشاره کرد و گفت: نشت گاز ناشی از نقص تجهیزات ایمنی و ضعف در بازرسی‌های دوره‌ای موجب شد که طی ۳ روز آتش‌سوزی گسترده‌ای شکل بگیرد. هرچند عملیات تخلیه اضطراری موفقیت‌آمیز بود، اما گزارش‌های رسمی نشان داد که نبود استانداردهای ایمنی و نادیده گرفتن ریسک‌های عملیاتی، ریشه اصلی این فاجعه بوده و هزینه‌ای ۶۰ تا ۱۰۰ میلیون یورویی به کشور تحمیل کرده است.

این کارشناس بازار سرمایه با تحلیل این حوادث، به ۳ واقعیت مهم موثر در این نوع حوادث اشاره کرد و گفت: نخست، فرهنگ مخرب انکار ریسک که به جدی نگرفتن هشدارهای پیشگیرانه منجر می‌شود؛ دوم، نقص ساختارهای مدیریت ریسک که حتی در صورت شناسایی خطرات، سازوکارهای موثری برای کاهش آنها وجود ندارد و سوم اینکه مدیریت بحران به عنوان آخرین راهکار، جایگزین اجتناب‌ناپذیر شکست در مدیریت ریسک می‌شود.

او ادامه داد: مدیریت ریسک و مدیریت بحران، ۲ مفهوم مکمل نیستند، بلکه مدیریت ریسک پیش‌نیاز حیاتی برای اجتناب از ورود به بحران است. مدیریت ریسک، فرآیندی پیشگیرانه است که با شناسایی تهدیدها، ارزیابی احتمال وقوع حوادث و اجرای اقدامات کنترلی هم‌چون پایش مستمر و آموزش پرسنل، از بروز فاجعه جلوگیری می‌کند. در مقابل، مدیریت بحران زمانی فعال می‌شود که حادثه‌ای رخ داده و آسیب‌ها به واقعیت تبدیل شده‌اند.

مهدی‌آبادی در بخش دیگری از گفت‌وگوی خود با اشاره به چالش‌های ساختاری موجود در مدیریت ریسک در ایران اعلام کرد: با وجود آنکه در سال‌های اخیر و با ابلاغ الزامات حاکمیت شرکتی از سوی سازمان بورس، تشکیل کمیته‌های ریسک در شرکت‌ها الزامی شده است، اما در عمل این کمیته‌ها با موانع جدی مواجه‌اند. بسیاری از کمیته‌های ریسک فاقد استقلال عملیاتی و بودجه اختصاصی هستند و تصمیمات‌شان به‌شدت تحت تأثیر مدیریت اجرایی قرار دارد. در چنین شرایطی، اولویت‌های کوتاه‌مدت مالی یا فشارهای مدیریتی بر ارزیابی و کنترل واقعی ریسک‌ها سایه می‌افکند.

او افزود: از سوی دیگر، در بسیاری از سازمان‌ها فرهنگ انکار ریسک حاکم است. بیان ریسک‌ها گاه به عنوان تهدیدی برای آرامش سازمان یا لطمه به اعتبار آن تعبیر می‌شود. این رویکرد پنهانکارانه احتمال تبدیل ریسک‌های کوچک به بحران‌های بزرگ را افزایش می‌دهد. حتی در مواقعی که تهدیدات شناسایی می‌شوند، به دلیل نقص در ساز و کارهای اجرایی و نبود الزامات عملیاتی کافی، اقدامات کنترلی موثر به مرحله اجرا نمی‌رسند.

این تحلیلگر ریسک در ادامه راهکارهای برون‌رفت از این وضعیت را تشریح کرد و توضیح داد: برای عبور از چرخه معیوب بحران‌های پیاپی و حرکت به سوی تاب‌آوری سازمانی، ۳ اقدام اساسی ضروری است: نخست، باید اختیارات کمیته‌های ریسک تقویت شود تا بتوانند بدون ملاحظات غیرحرفه‌ای تصمیم‌های پیشگیرانه اتخاذ کنند؛ دوم، استقرار سامانه‌های پایش لحظه‌ای همچون سنسورهای نشت گاز و سیستم‌های هوشمند مانیتورینگ دما برای پیشگیری از بروز حوادث حیاتی است؛ و سوم، باید نظام جریمه‌های سنگین برای سازمان‌هایی که به هشدارهای ایمنی بی‌اعتنا هستند به‌طور موثر اجرایی شود تا انگیزه‌های سهل‌انگاری از بین برود.

مهدی‌آبادی با اشاره به بزرگداشت روز سعدی در اول اردیبهشت گفت: عاقل آن کند که تجربه آموزد؛ حادثه اسکله شهید رجایی و پتروشیمی بوعلی، به شکلی دردناک این اصل را به ما یادآوری کردند که مدیریت بحران تنها جایگزین شکست مدیریت ریسک است.

او در پایان تاکید کرد: هزینه‌های انسانی، زیست‌محیطی و اقتصادی این فجایع نشان می‌دهد که پیشگیری از وقوع بحران از طریق استقرار نظام‌های موثر مدیریت ریسک، نه تنها یک انتخاب عقلایی بلکه ضرورتی انکارناپذیر است. تا زمانی که تهدیدها به عنوان مسائل فرعی تلقی شوند و حاکمیت شرکتی قوی در عرصه مدیریت ریسک مستقر نشود، بحران‌های ویرانگر همچنان بخشی از واقعیت اقتصادی و صنعتی کشور باقی خواهند ماند. شاید اگر پند شیخ اجل را در اول اردیبهشت شنیده بودیم، در کمتر از ۷ روز دچار آن سانحه دلخراش نمی‌شدیم.